

تحولات اجتهاد شیعی: سیر تاریخی، حوزه‌ها و شیوه‌ها*

دکتر سید مصطفی محقق داماد**

چکیده

چالش میان عقل و دین در ادبیات اسلامی در دو حوزه بوده است؛ حوزه اصول بنیادین اعتقادی و حوزه شریعت و احکام عملی. در حوزه اخیر پیروزی از عقل در استنباط احکام شریعت به تدریج عنوان اجتهاد به خود گرفت. اجتهاد در بستر تاریخ تعریف واحد و ثابتی برای خود حفظ نمود، و به حسب مقتضیات زمان توسط متفکرین دگرگون شد. مکاتب اهل سنت باب اجتهاد را مسدود اعلام کردند، و پیروان مکتب تشیع، در معرف احکام شریعت به سطح وسیعی اجتهاد را توسعه بخشیدند. توسعه اجتهاد در میان شیعیان موجبات فریب شدن دانشی تحت عنوان «علم اصول فقه» را فراهم ساخت. شیعیان به موازات حوزه شریعت در بخش مباحث کلامی نیز خود را از قید و بند بحث‌های سستی اشاعره و معتزله رها کرده و الهیاتی تحت عنوان «حکمت متعالیه» که می‌توان آن را «حکمت شیعی» نامید تأسیس نمودند. این حکمت مبتنی است بر تعقل بشری، و تدین به آموزه‌های وحیانی، و تعلیمات پیامبر و اهل بیت او (ع). علم اصول در سیر تاریخی خود رشد تکاملی داشت و در مدارس مختلف به روش-های متفاوتی تدوین و ارائه شده است.

* این مباحث صرفاً به درخواست دانشجویان به‌خصوص فضلالی مقاطع تحصیلی پیشرفته در مجله ارزشمند دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی منتشر می‌شود و مایل نیستم بدون موافقت در روزنامه‌های کنیرالانتشار کشور (چنانکه مرسوم شده) برگرفته و چاپ شود.
ضمناً این نوشتار شامل فصل نخست مقاله می‌باشد؛ ادامه مطلب در شماره بعدی همین مجله، به رشته تحریر در خواهد آمد.
** استاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

در این مقاله نویسنده بر آنست تا به نحو اجمال تحول علم اصول فقه شیعی و روش‌ها و مکتب‌های آن را مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: اجتهاد، اصول فقه، عقل‌گرایی، حکمت شیعی.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی